

برآمدن مفهوم نمایندگی در انقلاب مشروطیت ایران^۱

دکتر علی اکبر گرجی آزندریانی *

دکتر فردین مرادخانی **

چکیده

مفهوم نمایندگی از مهمترین مفاهیم در نظریه مشروطیت است که نقطه آغاز بسیاری از مفاهیم دیگر نیز می باشد. انقلاب مشروطیت توانست برای نخستین بار ایرانیان را با این مفهوم مهم آشنا کند. در آغاز و در مباحث روشنفکران این مفهوم هنوز مبهم بود. اما با پیروزی انقلاب و تاسیس مجلس اول مباحث مهمی بر سر این مفهوم شکل گرفت و تا حدود زیادی مرزهای این مفهوم و معنای آن روشن شد. این مقاله پس از نگاهی به مباحث روشنفکران، شکل گیری این مفهوم در خلال مباحث فقیهان و مجلس اول را بررسی خواهد کرد.

واژگان کلیدی

مشروطیت، نمایندگی، مجلس، ملت.



^۱. تاریخ تحویل: ۱۳۹۱/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۸

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** مدرس دانشگاه و دانش آموخته حقوق عمومی از دانشگاه شهید بهشتی.

نظریه نمایندگی از مفاهیم مدرن و جدید است. جیمز میل در ۱۸۲۰ گفت نمایندگی همچون کشفی عظیم در عصر نوین است^۲ و به گفته کنستانت وضع بشر در دوران باستان اجازه نمی داد که نهادی از این مفهوم پدید بیاید.^۳ با این حال ریشه ای طولانی در تاریخ غرب دارد و چون بسیاری از مفاهیم مدرن، توسعه یافته برخی از مفاهیم سده های پیشین است.^۴ برای مثال قضات یونان نماینده مردم بودند اما آن ها قدرت تقنینی نداشتند. در رم هم اگر چه پلیبیوس از مسئولیت کنسول ها در مقابل سنا و مردم و از مسئولیت دادگاه ها در مقابل افراد ملت سخن می گوید، اما این مفهوم نمایندگی نیست.

ریشه های فکری نمایندگی را در قرون وسطی دانسته اند که پادشاهان نمایندگانی را گرد می کردند و هدف آن ها حفظ نظم و رسیدگی به دعاوی بود. برای مثال در فرانسه از قرن ۱۳ چند طبقه در این جلسات شرکت می کردند. نمایندگی قرون وسطی با مفهوم اصناف هم مرتبط است، زیرا مردم افراد نبودند بلکه گروه هایی در جامعه بودند، به همین دلیل مجالس سده های میانه مجالسی طبقاتی بودند.^۵ شورای کلیسا نیز در بسط این مفهوم دخیل بود. مارسل پادوایی و ویلیام اوکام پیشنهاد شورای عمومی یا نمایندگی فراگیر متشکل از مردم و روحانیون را برای عهده داری اقتدار کلیسا دادند.^۶ تصور اوکام از برتری شورای عمومی شبیه برتری پارلمان در اندیشه حقوقدانان انگلیس بود.^۷ شورای عمومی دوبار در قرن ۱۵ تشکیل شد و اگرچه به هیچ وجه نماینده تمام مسیحیت نبود و نتوانست کلیسا را اصلاح کند، اما در این شوراها اعلام شد که این شورا به عنوان نماینده کلیسای کاتولیک اقتدار خود را از مسیح می گیرد.^۸ به باور هابرماس در دوران فئودالیتة نیز هر یک از افراد خود را تجسم یا تجلی بخشی از قدرت پاپ می

^۲. دال، رابرت، در باره دموکراسی، ترجمه فیروز سالاریان، نشر چشمه، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸.

^۳. کنستانت، بنژامین، شور آزادی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، ۱۳۸۹، ص ۵۳.

^۴. Brich, A. H. Representation (Key Concepts in Political Science), MacMillan, 1971, p. 22.

^۵. ربال، آلن، به گای پیترز، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، انتشارات قومس، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵.

^۶. پلامناتز، جان، انسان و جامعه، ترجمه کاظم فیروزمند، انتشارات روزنه ۱۳۸۸، ص ۱۶۱ تا ۳.

^۷. همان، ص ۱۶۲.

^۸. همان، ص ۱۶۳ و ۴.





دانست و خود را نماینده او می دانست. اما بحث شان یا جایگاه افراد به عنوان تجسمی از یک قدرت عالیه یا برتر قطعا در گرو شناسایی و تایید رسمی از سوی مقام مربوطه است نه عموم مردم.^۹

این اندیشه که قدرت از جانب مردم به پادشاه می رسد و او نماینده آن هاست نیز ریشه در قرون وسطی دارد. به اعتقاد بسیاری در قرن ۱۳ و ۱۴ بود که برای نخستین بار مفهوم سیاسی نمایندگی پدیدار شد.^{۱۰} برای نمونه آکونیاس در ادامه سنت آگوستین می گفت قدرت از جانب خدا آمده است، در دیدگاه اینان پاپ نماینده خدا در زمین بود.^{۱۱} سرجان فورتیسکو نیز گفت که تکلیف پادشاه حمایت از تابعین، اموال و زمین هاست و برای این هدف قدرتی از جانب مردم به او تفویض شده است. به هر حال اگرچه مفهوم نمایندگی در سده های میانه بسط یافت، اما نمی توان هیچ کشوری را دارای سیستم نمایندگی دانست.

از نظر تاریخی نیز این سیستم در قرن ۱۷ در انگلیس و در قرن ۱۸ در فرانسه و آمریکا پدید آمد و در بقیه کشورهای اروپایی با متاثر شدن از فرانسه در قرن ۱۹ پدید آمد.^{۱۲} مجادلات انگلستان در دهه ۱۶۴۰ بسیار مهم است. اگرچه لولرها در دهه ۱۶۴۰ برای نخستین بار حق رای را درخواست کردند، اما برداشت آنها از مفهوم نمایندگی به معنای سده های میانه بود. همچنین تئوری ویگ ها درخصوص نمایندگی بسیار مهم است. آنها بر آن بودند که نمایندگان باید قدرت شاه را چک کنند و منافع ملی را در نظر داشته باشند.^{۱۳} تاریخ پیدایش مفهوم نمایندگی در انگلیس را شامل چهار مرحله دانسته اند. نخست پارلمان فقط برای مسائل مالی و پرکردن خزانه بود. دوم مجالس اولیه فقط مسئول جمع آوری مالیات بودند و گاه به وضع قانون از طریق بردن لایحه نزد سلطان برای امضا دست می زدند، سوم انقلاب قرن ۱۷ که سلطان را از وضع مالیات محروم کرد و چهارم مالکین از طریق نمایندگی حاکمیت را به دست آوردند.^{۱۴}

^۹. نوذری، حسین علی، بازخوانی هابر ماس، نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ص ۴۵۵.

^{۱۰}. Brich, A. H. op cit. p 24

^{۱۱}. Ibid. p 23

^{۱۲}. Ibid. p. 30

^{۱۳}. Ibid. p 35-38

کتاب گفتارهایی درباره حکومت نوشته Algernon Sidney در ۱۶۹۸ تئوری ویگ ها را شرح می دهد.

^{۱۴}. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، طرح نو، ۱۳۸۱ ص ۴۰-۲۳۸.



واژه نمایندگی نیز در طول تاریخ خود دچار تحول مفهومی شده است. واژه repraesentare نیز در زبان لاتینی به معنای دوباره ظاهر شدن بود و ربطی به نمایندگی در امور سیاسی نداشت. در سده های میانه به معنای جسم لطیف امت مسیح و وجود غیر جسمانی آن اطلاق می شد. در سده ۱۳ و ۱۴ پاپ و کاردینال های کلیسای کاتولیک نماینده عیسی و حواریون تلقی شدند یعنی تمثال و تجسمی از عیسی بودند. در زبان انگلیسی نیز تا قرن ۱۶ represent به معنای جانشینی و نمایندگی شخص دیگر به کار نمی رفت

بند اول: اهمیت نظریه نمایندگی

مفهوم نمایندگی به حدی مهم است که تمام دموکراسی های مدرن نظام حکومتی خود را بر پایه آن قرار می دهند. به عبارت دیگر حکومت مدعی فرمانروایی بر مردم نیست بلکه مدعی نمایندگی آنهاست و از سوی آنها عمل می کند. یعنی مردم حاکم و فرمانروا هستند و حکومت تنها از جانب آنها عمل می کند.^{۱۵} تنها با این نظریه است که مردم تبدیل به شهروند می شوند.^{۱۶} اهمیت این مساله تا آنجاست که حتی فهم مشروطیت و نظام مبتنی بر قانون اساسی را وابسته به مفهوم نمایندگی می دانند.^{۱۷} اما برخی این مساله را بزرگترین پارادوکس در ایده مشروطیت دانسته اند. توضیح آنکه ایده اصلی پارادوکس این است که مردم حاکم هستند اما نمی توانند حاکمیت خود را اعمال کنند بلکه باید آنرا از طرق مخصوص و معینی اجرا نمایند.^{۱۸} همچنین در خصوص نمایندگی این سوال مطرح است که اگر حاکمیت غیر قابل انتقال است چرا نمایندگی وجود دارد.^{۱۹} این سخن در توضیح همان پارادوکس است که ذکر شد زیرا اگر حاکمیت متعلق به مردم و امری غیر قابل انتقال است چگونه می توان آنرا انتقال داد. با این حال طرفداران نظریه نمایندگی آنرا قابل توجیه می دانند به این گونه که از یک طرف مردم صاحب حاکمیت هستند از طرف دیگر حاکمیت باید مردم را اداره کند ولی این امر ممکن نیست و نظریه نمایندگی این مشکل را حل می کند.

^{۱۵}. لاگلین، مارتین، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، ۱۳۸۸ ص ۱۳۷.

^{۱۶}. همان، ص ۱۶۹.

^{۱۷}. همان، ص ۱۶۸.

^{۱۸}. Loughlin, Martin. Neil walker. The paradox of constitutionalism (constituent power and constitutional form) oxford university press. 2008

^{۱۹}. دوگی، لئون، دروس حقوق عمومی، ترجمه محمدرضا ویژه، نشر میزان ۱۳۸۸ ص ۱۵۶.



در فرانسه روسو مخالف نمایندگی بود و به علت بدبینی به طبیعت انسانی آنرا قبول نداشت. به گفته روسو همانگونه که نمی‌توان حاکمیت را واگذار کرد نمی‌توان نمایندگی آنرا به کسی داد. به باور روسو حق حاکمیت اعمال اراده عمومی است هرگز نمی‌توان آنرا به دیگری واگذار کرد چون اراده عمومی نمی‌تواند نماینده داشته باشد.^{۲۰} به باور او نمایندگان ملت، وکلای ملت نیستند و نمی‌توانند باشند بلکه آنها واسطه‌های موقتی هستند و حق هیچ اقدامی را به صورت نهایی نمی‌توانند انجام دهند و هر قانونی را که ملت راسا تصویب نکرده باشد، قانون نیست. او در عبارت مهمی که نتیجه تفکرات اوست می‌نویسد همین که نمایندگان انتخاب شدند ملت به برده تبدیل می‌شود.^{۲۱} به گفته او ملت نمی‌تواند در قوه مقننه به کسی نمایندگی دهد اما در قوه مجریه می‌تواند و باید نمایندگی دهد.^{۲۲} روسو که منتقد سیستم نمایندگی در انگلیس بود معتقد بود که مردان انگلستان فکر می‌کنند آزادند در حالی که آزادی تنها زمانی است که خود در مجلس باشند.^{۲۳}

در فرانسه همچنین یکی از بحثهای اصلی تعارض قوه موسس و نمایندگی بود و در مجلس موسسان اولین بار سخن از قوه موسس به میان آمد.^{۲۴} به نظر می‌رسد نظریه قوه موسس در فرانسه ناقض نظریه نمایندگی هابز نیست که باید به هیات سیاسی و واحد داده شود زیرا نمایندگی حاکمیت است و مردم یک واحد سیاسی هستند.^{۲۵} سی‌سیس با آگاهی از سخنان روسو سعی در ارائه نظریه جدیدی کرد و تفکیک مهمی بین قدرت موسس و قدرت موسس انجام داد و گفت که حکومت موسس است اما ملت موسس. قدرت تاسیس کننده که همان ملت است که بر همه چیز مقدم است ولی چون اراده ملت نمی‌تواند حکمرانی کند سیستم نمایندگی این مشکل را حل می‌کند.^{۲۶} سی‌سیس در بسط نظریه مونتسکیو گفت ملت دارای حق حاکمیت است ولی این حق را تنها از طریق نمایندگی به کار می‌گیرد و قبل از اینکه به نام وی حکم رانند از انجام اراده خود ناتوان است.^{۲۷} به باور سی‌سیس

^{۲۰}. روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، ۱۳۷۹ ص ۱۴۱.

^{۲۱}. همان، ص ۳۷۹.

^{۲۲}. همان، ص ۳۸۲.

^{۲۳}. Brich, A. H. op cit. p 34

^{۲۴}. Loughlin.Martin.op cit.P69

^{۲۵}. Ibid. p84

^{۲۶}. لاگلین، پیشین ص ۱۵۴.

^{۲۷}. بردو، ژرژ، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر نی، ۱۳۷۸ ص ۲۰۲.



ریشه قدرت سیاسی، مفهوم نمایندگی است و قدرت اگر چه متعلق به مردم است اما در دست مردم نیست.^{۲۸} قدرت موسس از مفاهیم کلیدی حقوق عمومی و دولت مدرن است و از طریق آنست که مردم به قدرتی فعال تبدیل می شوند اگر چه مردم بعد از تاسیس دولت نقشی در به کارگیری قدرت موسس ندارند.^{۲۹} این قوه موسس است که به وسیله قانون اساسی صلاحیت های سه قوه را مشخص کند.^{۳۰}

برخی نیز نظریات نمایندگی را به دو نظریه اصلی لیبرال دموکراتیک و جمع گرایانه تقسیم کرده اند و گفته اند اهمیت حقوق فردی و حاکمیت مردم دو ویژگی مهم نظریه لیبرال دموکراتیک است.^{۳۱} اما برخی نظریه حاکمیت مردمی را با نمایندگی ناسازگار می دانند و گفته اند که حاکمیت ملی در فرانسه به همین دلیل پدید آمد و تئوری نمایندگی به تئوری حاکمیت ملی و تفکیک قوا گره خورده است.^{۳۲}

بند دوم: روشنفکران ایرانی و مسأله نمایندگی

در مشروطیت ایران نمایندگی با چالش هایی مواجه شد. مشکل از آنجا شروع شده بود که مشروطه خواهان از لفظ وکالت برای این مفهوم استفاده کردند و وکالت مفهومی ریشه دار در تاریخ فقه شیعه بود و بر سر آن بحث بسیار شده بود. از این حیث اهل شریعت بر کاربرد این اصطلاح ایراد وارد کردند. شاید بهتر بود که در خصوص آن مفهوم ابتدا تاملاتی می شد و جرح و تعدیل هایی در آن صورت می پذیرفت تا می توانستند به راحتی واژه وکالت را معنایی نو ببخشاید یا واژه ای نو خلق کنند که عملاً هیچ کدام از این دو کار را نکردند.

نسبت نمایندگی با وکالت از مفاهیمی است که از دیرباز در غرب نیز مطرح بوده است و یکی از اولین پرسشها در مورد نمایندگی نسبت آن با وکالت بوده است. برخی نمایندگی را به معنای وکالت می گیرند فلذا مردم هر لحظه می توانند نماینده را عزل کنند. این سوال همواره در بحث نمایندگی وجود داشته است که آیا

^{۲۸}. همان، ص ۱۵۷.

^{۲۹}. همان، ص ۲۳۰.

^{۳۰}. عباسی، بیژن، تمایز میان قوای موسس و قوای تاسیسی، حقوق اساسی سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳ ص ۹۴.

^{۳۱}. ربال، آلن، به گای، پیترز، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، نشر قومس، چاپ دوم ۱۳۹۰ ص ۸-۱۷۶.

^{۳۲}. عاملی حشمت اله، دموکراسی و تحدید قدرت، کتاب خانه ابن سینا ۱۳۴۶ ص ۵۹.



می توان خلاف نظر موکل عمل کرد. از فرق های نمایندگی با وکالت اینست که نماینده قابل عزل نیست و علاوه بر این فردِ نماینده، نماینده ملت در کلیت آنست نه رای دهندگان. از دیگر تفاوت های نمایندگی این است که نمی توان همه چیز را پیش بینی کرد و نمایندگان در انجام وظایف خود آزادند. برخی برای حل این معضل گفته اند جایگزین کردن "عمل به نام" به جای "عمل به جای" بهتر است.^{۳۳} گاه نیز نماینده را نشانه دانسته اند.^{۳۴} برای مثال شیر نشانه شکوه است و نمایندگی نشانه ایده ها و آرزوهای افرادی است که او را انتخاب کرده اند.^{۳۵} طبق نظریه نمایندگی خرد انسانی که فلسفه روشنگری بر آن تأکید می کرد با اراده همگانی به نمایش در می آید و تجسم می یابد و از زبان نمایندگان بیان می شود.^{۳۶} نمایندگی را نمایندگی منافع و گاه نمایندگی افراد نیز دانسته اند و در جمع آن ها می توان گفت که منافعی که نمایندگی از آن ها صورت می گیرد افراد هستند. به طور کلی می توان سه معنا از نمایندگی ارائه داد، یک عامل یا سخنگو، شخصی که تجسم ویژگی های یک طبقه از اشخاص است و شخصی که سمبل یا هویت عده ای از اشخاص است.^{۳۷}

هم چنین غربیان تاملات دیگری نیز در خصوص این مفهوم و تفکیک آن از وکالت کرده اند از لحاظ نظری این توماس هابز بود که نخستین بار مفهوم مدرن نمایندگی را مطرح کرد و آن را در قالب نظریه ای ارائه داد. نظریه هابز در تشریح نظریه نمایندگی اهمیت فراوانی دارد و او را مهم ترین نظریه پرداز نمایندگی مدرن می دانند که با نظریه دولت به مثابه شخص مصنوعی،^{۳۸} بر اساس نظام نمایندگی توانست میان دولت و شخصیت حاکم تفاوت نهاد.^{۳۹} او میان شخص طبیعی و مصنوعی تفاوت می گذارد و می گوید شخص مصنوعی برای نمایندگی کردن از شخص طبیعی ایجاد شده است و همه مردم به شخصی واحد به نام ملت تبدیل می شوند که شخصی دیگر آنها را نمایندگی می کند و ملت را بر عکس جمعیت دارای

^{۳۳}. مالکوم، جرال، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، انتشارات طه، ۱۳۸۳ ص ۳۴۳.

^{۳۴}. standing for

^{۳۵}. جرال، پیشین ص ۳۴۵.

^{۳۶}. بردو، پیشین ص ۷۲.

^{۳۷}. Brich, A. H. op cit. P 15-16

^{۳۸}. artificial man

^{۳۹}. لاگلین، پیشین ص ۶۰.



هویت واحد می داند.^{۴۰} یعنی به قول هانا پیتکین او باید اتباعش را نمایندگی کند نه خودسرانه دست به انجام اعمالی بزند.^{۴۱} به باور هابز چون اراده دولت از طریق حاکم انجام می شود و او نماینده دولت است آنچه اهمیت دارد رابطه حاکم با مردم است.^{۴۲} به باور هابز شخص کسی است که سخنان یا اعمال او یا از آن خود او تلقی شود یا نمایش دهنده سخنان یا اعمال اشخاص دیگر یا هر چیز دیگری باشد که آن سخنان یا اعمال منسوب به آنها باشد.^{۴۳} اگر آن سخنان یا اعمال از آن خود شخص باشند آن شخص، شخص طبیعی خوانده می شود و وقتی نمایش دهنده سخنان و اعمال دیگری باشند آن شخص غیر حقیقی یا مصنوعی است. به گفته هابز اشخاص بی جان مثل کلیسا، بیمارستان، پل ممکن است به واسطه شخص، یا رئیس آنها نمایندگی شوند اما اشیای بی جان نمی توانند صاحب حق و اقتدار شوند یا به کارگزاران خود تفویض اختیار کنند. قیّم‌ها می توانند نماینده صغار و دیوانگان فاقد عقل باشند، اما خدا می تواند نماینده یا کارگزاری نیز داشته باشد. چنانکه موسی نماینده او بر بنی اسرائیل بود. به باور هابز وقتی شخص نماینده و کارگزار انبوهی از آدمیان باشد آنان به یک شخص یا کارگزار تبدیل می شوند و گویا تفویض به کارگزاران با رضایت تک تک آنها صورت گرفته است.^{۴۴} هابز نمایندگی را به عنوان یک عامل که حق شرکت کردن در اعمال یا سیاست‌ها را دارد تعریف کرد. با این حال تعریف هابز نزدیک تعاریفی است که در سیستم‌های حقوق خصوصی از وکیل می شود در حالی که نمایندگی مفهومی سیاسی است و از طریق آن مردم در قدرت شریک می شوند.^{۴۵}

مستشار الدوله که از نخستین کسانی بود که در ایران در این خصوص تامل کرد، در مورد حق انتخاب وکلا توسط اهالی در دیوان دولت می نویسد که علت آن این امر است که "اهالی در افعال حکومت مداخله عظیم دارند". به باور او این اصل در اسلام در باب مشورت مطرح شده است و به آیه "و مشاورهم فی الامر" اشاره می کند. او در تطبیق نمایندگی با شورا سعی کرد تفسیری از سنت قدمایی عرضه کند

^{۴۰}. همان، ص ۱۴۲.

^{۴۱}. Pitkin, Hanna, *The concept of representation*. Berkeley university of California press. 1967. p 33.

^{۴۲}. لاگلین، پیشین ص ۱۶۰.

^{۴۳}. هابز، ، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه ، نشر نی، چاپ پنجم ۱۳۸۷ ص ۱۸۲.

^{۴۴}. همان، ص ۱۸۳ تا ۱۸۵.

^{۴۵}. Pitkin. Hanna. op cit. p 32



اما مباحث را با هم خلط کرد. به گفته یکی از محققین مشورتی که مندرج در شورا است، بنای عقلایی دارد و از مفاهیم اساسی سیاست نامه نویسی است، در حالی که در اندیشه سیاسی جدید مجلس‌های قانونگذاری قانون‌هایی را تدوین و تصویب می‌کنند که منشاء آن‌ها اراده آزاد همه افراد است یعنی در فلسفه سیاسی حاکمیت ملت شرط است.^{۴۶} البته او می‌توانست در این خصوص از اصل هشتم رساله خود بهره بگیرد که در آن آمده بود "اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است". اما او از این اصل برای توجیه این مفهوم بهره‌ای نبرد.

طالبوف نیز در رساله ایضاحات در خصوص آزادی، پدیدار شدن این معنای جدید از نمایندگی را توضیح می‌دهد. به گفته او ملت ایران این وکلا را منتخب نموده که برون در مرکز مملکت بنشینند و در مصالح امور ایشان شور کنند، قوانین لازمه وضع نمایند و استقلال کامل داشته باشند^{۴۷} که همه نکاتی کاملاً درستند. او همچنین می‌نویسد که "هر وکیلی که مبعوثی خود را بدین سمت اقرار نماید باید در صورت مردم ولی در سیرت مبعوثین حقیقی باشد... چنین اشخاصی باید اول همه اشکالات را در نفس خود حل نماید، معیشت خود را سهل و ساده بکند، از دو غذا بیشتر بر سر سفره نگذارد، لباس ارزان مال مملکت را بپوشد ... از شکوه و تجمل صرف نظر نماید و هرچه دارد بیندازد بشکند و تغییرات اصولی و اساسی در قیودات تبذیر و اسراف بی شعورانه که جزو اعظم سوء اخلاق وطن ما شده بدهد."^{۴۸} گذشته از ذکر خصائل و اوصاف برای نماینده که اهمیت چندانی ندارد، طالبوف یک نکته مهم را در تفکیک بین صورت و سیرت نماینده بیان می‌کند که نماینده اگرچه در شمار مردم و در صورت آن‌هاست اما مبعوث شدن او از جانب ملت به او سیرتی دیگر می‌دهد که در قالب نمایندگی بیان می‌شود.

محمد علی فروغی نیز که گویا واژه نمایندگی را نخستین بار به کار برد^{۴۹} در رساله خود می‌نویسد که در سابق مردم تصور می‌کردند که یک نفر یا جماعت صاحب اختیار مطلق عموم ناس است اما حالا متجاوز از صد سال است که همه دانشمندان و اکثر عوام معتقد شده‌اند که یک نفر یا جماعت حق ندارد صاحب اختیار یک قوم یا ملت شود و صاحب اختیار ملت باید خود ملت باشد و سلطنت

^{۴۶}. طباطبایی، حکومت قانون، پیشین ص ۲۳۳.

^{۴۷}. طالبوف، آزادی و سیاست، پیشین ص ۱۰۳.

^{۴۸}. طالبوف، عبدالرحیم، آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، انتشارات سحر، ۱۳۵۷ ص ۳۲-۳۳.

^{۴۹}. طباطبایی، حکومت قانون ص ۳۰۳.



متعلق به ملت است و دو طریق بیشتر وجود ندارد یا افراد ملت شخصاً در امور سیاسی مداخله داشته باشند یا جماعتی را بگمارند تا به اداره امور ایشان مشغول شوند و چون طریق اول ممکن نیست ملت باید اختیارات را واگذار به هیاتی بکند که "به اسم او و از جانب او" امور را اداره کند.^{۵۰} فروغی می‌نویسد که برخی معتقدند معتقدند وکیل باید تابع رای موکلین خود باشد و از نماینده استعفانامه‌ای می‌گرفتند و اگر او را مطابق میلشان نمی‌دیدند استعفانامه را برای رییس مجلس می‌فرستادند.^{۵۱} ولی اکنون می‌گویند وکیل از جانب ملت است و حافظ منافع عمومی است نه خصوصی. به باور او وکلا از جانب ملت وکالت مطلقه دارند و به منافع عموم باید توجه کنند نه مصالح خصوصی.^{۵۲} به اعتقاد فروغی نماینده باید در زمان انتخابات عقاید خود را بگوید تا مردم او را بشناسند و اگر خلاف آن عمل کرد کسی حق تعرض به او را ندارد و ضمانت اجرا عدم انتخاب او در دوره قبل است.^{۵۳} فروغی در باره اعضای پارلمان نیز می‌نویسد وکالت آن‌ها عموماً مجانی است تا مردم به طمع پول به خیال وکالت نباشند.^{۵۴} چنانکه می‌بینیم اشارات فروغی عموماً اشارات دقیقی است و با آگاهی از این مفهوم نگاشته شده اند.

نویسندگان مشروطیت بر روی ویژگی‌های شخصی نمایندگان نیز تأکید فراوان می‌کردند که باید رجال کفایت پاک‌طینت بی‌غرض بی‌مرض بی‌عوض باشند. آدم‌های کارکن، باخبر، بااطلاع، دوراندیش، عاقبت‌بین، خیر، فهیم، حساس، باشند.^{۵۵} یحیی قاجار از مدافعین مشروطه می‌نویسد اجزای مجلس از هر قبیل و صنف مردمان می‌توانند باشند در صورتی که مرجعیت عامه داشته باشند.^{۵۶} او می‌نویسد وکلای ما باید نماینده تمام افراد ملت باشند و اگر مردم احساس کردند وکلا غرض دارند در جراید که زبان ملت است با اسناد صحیحه خیانت آن‌ها را ثابت کنند و مطابق قوانین خائن را مجازات کنند.^{۵۷}

^{۵۰} رساله حقوق اساسی در زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، جلد اول، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ص ۶ و ۷۸۵.

^{۵۱} همان، ص ۸۱۱.

^{۵۲} همان ص ۸۱۰.

^{۵۳} همان ص ۸۱۱.

^{۵۴} همان ص ۸۰۹.

^{۵۵} رساله مرض را قبل از علاج دوا کنیم در زرگری نژاد، جلد اول، پیشین ص ۱۷۰.

^{۵۶} رساله معنای حریت در زرگری نژاد، پیشین ص ۶۹۵.

^{۵۷} همان ص ۶۹۶.

چنانکه می بینیم به جز رساله فروغی که البته آن نیز درس نامه ای ترجمه ای بود دیگر روشنفکران به نحو مفصل از نظریه نمایندگی سخنی نگفتند. با این حال برخی اشارات آن ها چون تفکیک طالبوف بین صورت و سیرت نماینده و سخنان مستشارالدوله اشارات خوبی بودند. اما بعد از پیروزی انقلاب بود که در باب این مفهوم سخنان دقیقتری گفته شد

بند سوم: فقیهان و مسأله نمایندگی

با پیروزی انقلاب مفهوم نمایندگی رنگ و بوی دیگری یافت زیرا جدالی نظری بر سر این مفهوم میان دو دسته از فقیهان در گرفت و فقیهان همچون بسیاری از مفاهیم بر سر مفهوم نمایندگی نیز به صف آرایی در برابر هم پرداختند. شیخ فضل الله نوری به عنوان مهمترین مخالف سامان جدید از منظر سنت قدمایی نوشت "وکالت چه معنی دارد؟ وکیل کیست؟ موکل فیه چیست؟ اگر مطالب عرفیه است این ترتیبات دینیہ چیست؟ اگر مقصود امور شرعیه عامه است این امر راجع به ولایت است نه وکالت که در زمان غیبت با فقها و مجتهدین است نه فلان بقال و بزاز".^{۵۸} به باور شیخ مجلس مطابق با موازین شرعیه نیست. زیرا در فقه در باب وکالت شرایطی وجود دارد که در اینجا هیچکدام رعایت نشده است. برای مثال موکل باید در امری که تعیین می کند ذی حق باشد در حالی که عموم ملت را در سلطنت حقی نیست، وکالت عقدی است جایز ولی در اینجا حق عزل ذکر نشده است، خود موکل نباید بعد از توکیل خلع شود ولی در اینجا خلع می شود. هر کس بالغ و عاقل باشد می تواند توکیل کند ولی در اینجا فقط افراد خاصی حق رای دارند. بنابراین از لحاظ شرعی بر این وکالت ایراد وارد است. شیخ در تذکره الغافل نیز در پاسخ به این مسأله که نمایندگی در مشروطه وکالت در فقه نیست می نویسد بر فرض که این اساس برای جعل قانون جدید که کفر است نبود چرا به اعضای آن وکیل گفتند مگر نمی دانند که در امور عامه وکالت صحیح نیست و این از باب ولایت شرعیه است یعنی تکلم در امور عامه و مصالح عمومی تاسیس مخصوصی است به امام یا نواب او.^{۵۹}

نویسنده کشف المراد نیز در مخالفت با این مفهوم می نویسد اولاً قوانین شرع



^{۵۸}. ترکمان، محمد، رسائل اعلامیه ها و مکتوبات و روزنامه شیخ شهید، جلد اول، موسسه فرهنگی خدماتی رسا، ۱۳۶۲ ص ۱۰۴.

^{۵۹}. رساله تذکره الغافل وارشد الجاهل در زرگری نژاد، جلد اول، پیشین ص ۲۹۴.



کافی است و نقصانی ندارد و ثانیاً مشروطه با شریعت مطهر توافق ندارد.^{۶۰} صاحب رساله کشف‌المراد پس از نصیحت به وکلا که باید صلاح و خشنودی موکلین را به دست بیاورید، می‌نویسد شما همه طبقات را از خود رنجانده‌اید و این خدمت به دشمن است.^{۶۱} او معتقد است که قانون نوشتن و اتکا به اکثریت آرا در مجلس توسط وکلا خلاف قاعده است. به باور او آن‌ها آمده‌اند که احکام شریعت را به اجرا بگذارند و غیر از این وظیفه ای ندارند. به اعتقاد او استناد به اکثریت آرا باطل نیز است. زیرا جزو دلایل شمرده نشده است، اجماع هم باید کاشف از قول معصوم و توسط علما باشد و اجماع عوام مورد قبول نیست.^{۶۲}

میرزا آقا صادق مجتهد تبریزی نیز از مخالفان مفهوم نمایندگی است و در پاسخ سید نصرالله تقوی که به دفاع شرعی از نمایندگی پرداخته بود همانند شیخ از منظر فقه بر آن ایراد وارد کرد. تفاوت او با شیخ این است که در مورد وکالت ننوشت بلکه به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از توجیهات نمایندگی پرداخت و اعلام کرد که امر به معروف در شرع شرايطی دارد که در این تأسیس جدید نیست و نوشت اگر بحث امر به معروف است چرا کمتر از ۲۰ سال و بالغ بر ۷۰ سال حق مداخله ندارد، چرا کسانی که دارا نیستند مکلف به این تکلیف نیستند. "این مجلس را امر به معروف گفتن مانند سید گفتن به خرسی است که پارچه سیاهی بر سر بسته است".^{۶۳} صاحب رساله دلایل‌البراهین نیز در برهان چهارم به ذم و قبح انتخاب وکلا در جعل قوانین به عقول ناقصه می‌پردازد.^{۶۴} آنگاه ماجرای بنی‌اسرائیل را مطرح می‌کند که هیچ ربطی به موضوع ندارد و به باور او این وکالت شرعی نیست بلکه کفالت امور جمهور و حفظ حقوق موکلین است.^{۶۵} به باور او خداوند در آیات متعددی وکالت را برای خود منحصر کرده است چنانکه فرمود "حسبنا و نعم الوکیل" و حتی پیامبر را از وکالت منع کرده است که "لست علیکم بوكیل" و فرمود "لا اله الا هو فاتخذو وکیلا" یا "لا تتخذو من دونی

۶۰. رساله کشف‌المراد من المشروطه و الاستبداد در زرگری نژاد، پیشین ص ۲۱۱.

۶۱. همان، ص ۲۰۸.

۶۲. همان، ص ۲۱۲.

۶۳. جعفریان، رسول، درک شهری از مشروطه، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، چاپ دوم،

۱۳۸۷ ص ۹۸.

۶۴. رساله دلایل‌البراهین الفرقان در زرگری نژاد، جلد اول، پیشین، ص ۳۷۲.

۶۵. همان، ص ۴۳۸.



وکیلا^{۶۶}. فلذا به باور او وکالت افراد از طرف ملت به کسی، مخالف نص صریح قرآن و از پیامبر جلو افتادن و خود را شریک باری تعالی ساختن است.^{۶۷} همو می نویسد که خبره نبودن وکلا و اعتبار رای اکثریت از دیگر ایرادات نمایندگی است و حیات و ممات مملکت را به اراده غیراهل دانستن جز جنون محض نیست.^{۶۸}

ایرادات و شبهات مخالفان نمایندگی ایراداتی مهم بود و می توان آن را به سه دسته تقسیم کرد: بخش اعظم این ایرادات مربوط به فقه شیعه و مباحث حقوق خصوصی است که فقیهانی چون شیخ می گفتند که وکالت در فقه شریاطی دارد که این وکالت نمایندگان آن ها را نقض کرده فلذا غیر شرعی است. دومین ایراد را این بود که طبق آیات قرآن وکالت در امور جمهور مختص خداوند است و حتی پیامبر هم در آن دخیل نیست و سومین ایراد این بود که نمایندگان افرادی خبره نیستند. این مشکلات در غرب نیز وجود داشت و آن ها راه هایی را نیز پیشنهاد دادند برای نمونه فرانسویان بین دو مفهوم تفاوت می گذاشتند. یعنی وکالت امری و وکالت نماینده سالار. در وکالت امری، وکیل تنها اوامر موکل را انجام می دهد و او باید حساب پس بدهد و گرنه عزل شود. روسو به این نوع از نمایندگی علاقمند بود. طبق سنت های قدیم فرانسه نمایندگان در اتاژنرها جمع می شدند و کتابچه ای در دست داشتند که در آن حدود صلاحیت تعیین شده بود و قابل عزل بودند.^{۶۹} در ۲۴ ژانویه ۱۷۸۹ و در قانون اساسی ۱۷۹۱ وکالت امری ممنوع شد. اما بسیاری از نمایندگان طبق سنت قدیمی دستورات و کتابچه هایی از موکلین خود گرفته بودند و این دفاتر حاوی نکات متضادی در خصوص قانون اساسی بود.^{۷۰} ولی فرانسویان به این نوع وکالت خو کرده بودند و برای دور زدن این ممنوعیت استعفانامه های سفید امضا می کردند که اگر نماینده ای ناراضی بودند استعفای او را به مجلس ببرند که سرانجام در جمهوری سوم منع شد و در قانون ارگانیک ۱۸۷۵ آمد که هر نوع وکالت امری باطل و بی اثر است.^{۷۱} کتابچه های روحانیون و نجبا بر وابستگی آن ها به امتیازات و مصونیت هایشان و برابری و آزادی مطبوعات تاکید می کرد اما کتابچه

^{۶۶}. همان ص ۴۳۸.

^{۶۷}. همان، ص ۳۹ و ۴۳۸.

^{۶۸}. همان، ص ۴۳۹.

^{۶۹}. عاملی، پیشین ص ۳۹۲.

^{۷۰}. اردان، فیلیپ، نهادهای سیاسی و حقوق اساسی، ترجمه رشید انصاریان، انتشارات دانشگاه شهیدچمران اهواز ۱۳۸۹ ص ۲۷۵.

^{۷۱}. همان، ص ۲۷۶.



های طبقه سوم خواستار آزادی گفتار و نوشتار و تجمع و آزادی تجارت و منع بازداشت‌های خود سرانه بود.^{۷۲} توکوویل در بررسی این لوایح خواسته‌های اشراف را شامل موارد زیر می‌داند: حقوق فردی، آزادی شخصی، حق مالکیت، آزادی مذهب، آزادی مطبوعات، و... آن‌ها خواستار حفظ سلطنت و ابقای صورت‌های سه‌گانه مقننه مجریه و قضاییه بودند و برای پاسداری از حقوق ملت در برابر اعمال قدرت خودسرانه خواستار قوانین بنیادین بودند به باور توکوویل این لوایح حاکی از هماهنگی کامل میان نجیب‌زادگان و روح‌زمانه ایشان بود.^{۷۳} همچنین از سه صورت یا نظریه نمایندگی در فرانسه سخن گفته‌اند. نخست نماینده - ارگان که طبق آن بعد از انتخاب هیچ رابطه‌ای بین مردم و نماینده نیست و آن‌ها بدون توجه به خواست نمایندگان قانون می‌نویسند که بسیار افراطی است دوم نماینده - وکیل که تابع عقد خصوصی بود و برگه سفید امضا می‌گرفتند. سوم نماینده محوری که توسط سی‌پس در قانون اساسی ۱۷۹۱ ارائه شد و نماینده در حقیقت نماینده کل ملت است^{۷۴} که این نظریه بیش از دو نظریه دیگر رواج یافت چنانکه در ۱۸۷۱ بعد از معاهده فرانکفورت که ایالت آلزاس و لرن از فرانسه جدا شدند و چون به تصویب مجلس رسید نمایندگان آلزاس و لرن خواستند از مجلس خارج شوند که رئیس مجلس گفت شما نماینده تمام ملت فرانسه هستید نه تنها ایالت خود و آن‌ها ماندند.^{۷۵}

به باور ما در ایران مشکل از طراحان بحث نمایندگی و عموماً روشنفکران بود که آن‌ها را با زبان سنت و فقه بیان کردند بدون آن که حدود و ثغور این مفهوم نو آیین را توضیح دهند. ولی برخی از حاملان سنت پاسخ‌هایی در دستگاه سنت به مخالفان دادند که اتفاقاً بسیار دقیق بود و نشان داد که می‌توان از امکانات دستگاه سنت استفاده کرد. محلاتی در شک یازدهم رساله مهم الثالی المربوطه فی الوجوب المشروطه در پاسخ به این که وکالت از طرف عموم مطابق موازین شرعیه نیست چون اولاً موکل باید در امر ذی‌حق باشد در حالی که عموم ملت را در سلطنت حقی نیست، ثانیاً وکالت عقدی جایز است، ثالثاً موکل بعد از توکیل خلع نمی‌شود، رابعاً هر بالغ و عاقلی می‌تواند وکالت دهد و کمتر از ۲۱ و بالاتر از ۷۰ خلاف شرع است،

^{۷۲} روده، جرج، انقلاب کبیر فرانسه و پیامد‌های آن، ترجمه مجید امین موید، نشر اشاره ۱۳۸۰ ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

^{۷۳} توکوویل، آلکسی، انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، نشر نقره، ۱۳۶۵ ص ۴۵۷ تا ۴۶۹.

^{۷۴} دوگی، پیشین، ص ۱۶۱ تا ۳.

^{۷۵} عاملی، پیشین ص ۳۹۴ و ۵.



می‌نویسد "هیچ احمقی ادعا نکرده است که وکلا شرعاً در امر سلطنت با این توکیل ذی‌حق هستند" بنابراین او ملت را صاحب حقی در سلطنت نمی‌دانست. به باور او این توکیل در مسائل شرعیه نیست، این توکیل مطابق قانون آلمان و انگلیس است نه قانون اسلام و حکم به وجوب تقویت وکلا به این خاطر است که عمل آن‌ها "تحدید لاحدی جور و تقييد اطلاق ظلم" است و این "ترتیبی است منظم و میزانی منضبط در امور سیاسیه و مصالح عامه ملکیه که موجب رفع هرج و مرج و باعث انتظام مملکت اسلامیة شود و اشاره کرد که هر ترتیب و نظم که در بلاد کفر اول معمول شده نباید باعث حرام شدن آن بشود و الا باید ساعت سازی و سماورسازی و تفنگ‌سازی هم حرام شود.^{۷۶} به باور او باید از این تفکر دست برداشت که هر چه غرب انجام می‌دهد ما نباید انجام دهیم و به مساله جنگ خندق و راه حل سلمان فارسی اشاره می‌کند او در ادامه همین فقره می‌نویسد سلطنت ایران و کفار هر دو از اقسام سلطنت جور است و فرق آن‌ها اینست که "کیفیت ظلم ظلمه مسلمین با جور جابرین کفار متفاوت است".^{۷۷} نظارت امنا به باور محلاتی برای این است که کیفیت ظلم و جور تغییر کند زیرا او همه حکومت‌ها را جور می‌دانست و به اعتقاد او نمایندگی باعث می‌شود که از ظلم کاسته شود. محلاتی در نکته‌ای مهم می‌نویسد که این وکالت با وکالت شرعیه فقط اشتراک لفظی دارد و قواعد آن بر این حاکم نیست "و این که می‌بینی به امین ملت وکیل می‌گویند بر حسب لسان فقها و مذاق شرع نیست بلکه به لسان عرف و مذاق عامه است" و اجتماع آن‌ها در مجلس نه به جهت "امور شخصی" خود آن‌هاست بلکه برای "مصلح نوع" حاضر شده‌اند که هر چه صلاح نوع است بفهمند لهذا آن‌ها را اطلاق وکیل می‌کنند.^{۷۸} مثلاً به کسی وکیل‌الرعا می‌گویند یا وکیل‌الملک و این معنای شرعی ندارد.^{۷۹} این عبارت یکی از دقیق‌ترین عبارات در مفهوم نمایندگی در نوشته‌های مشروطه خواهان است.

او در پاسخ به مغالطه دوم شیخ که وکیلی که مجتهد نباشد حق مداخله ندارد. می‌نویسد اولاً هیات وکلا به استناد قانون اساسی از مجتهدین خالی نیست تا امنا ملت با آن‌ها در امر عامه مشورت کنند، ثانیاً اگر تصرف در امور سلطنتی به

^{۷۶} رساله لثالی المربوطه فی الوجوب المشروطه در زرگری نژاد، جلد دوم، پیشین ص ۹ و ۲۴۸.

^{۷۷} همان، ص ۵۰ و ۲۴۹.

^{۷۸} همان، ص ۲۵۱.

^{۷۹} همان، ص ۲۵۱.



حکام شرع تفویض شود حاکم شرع نمی تواند من عندی به اراده شخصیه رفتار کند بلکه باید بر طبق آنچه نظر عقلای مملکت اقتضا دارد عمل کند.^{۸۰} محلاتی در استدلال جدیدی نمایندگی را "مفید به حال ملت" میدانند که بحثی تازه است.^{۸۱} به باور یکی از محققین محلاتی از یک طرف با شناختن حق حاکمیت برای مردم آن ها را از در بیرون می اندازد و از طرف دیگر با شناختن حق آنان در امور نوعی و نظارت امنا آن ها را از پنجره وارد می کند.^{۸۲}

نایینی نیز در عباراتی به مسأله نمایندگی می پردازد. به باور نایینی در دورانی که راهی به عصمت نیست نظارت بیرونی بر وازع درونی حاکم اولویت و موازنه دارد.^{۸۳} این اشاره نایینی نشان از درک درست او از حکومت و سیاست مدرن دارد. به باور او نمی توان به سجایای اخلاقی حاکم دل بست و او را فعال مایشا کرد بلکه به یک نظارت بیرونی بر او نیز نیاز است. نایینی نمایندگان را "هیات مسدده و رادعه نظاره از عقلا و دانایان مملکت و خیرخواهان ملت" می داند که به "حقوق بین الملل هم خبیر و به وظایف و مقتضیات سیاسیه عصر هم آگاه باشند تا محاسبه و مراقبه نمایند و از تعدی و تفریط جلوگیری کنند. آنان مبعوثان ملتند".^{۸۴} نایینی شرایطی نیز برای مبعوثان ملت برمی شمارد که شامل موارد زیرند اول "علمیت کامله است در باب سیاسیات"، یعنی مجتهد بودن در سیاست و حقوق مشترکه بین الملل، دوم "بی غرضی و بی طمع و سوم غیرت کامل و خیرخواهی به دین و ملت و وطن و مسلمین" است.^{۸۵} او به درستی نوشت که نمایندگان باید در سیاست و حقوق بین الملل مجتهد باشند، نایینی با گفتن لزوم اجتهاد در سیاست برای نمایندگان بی آن که فقه و علم سیاست مدرن را در تقابل با هم قرار دهد بر وجه مدرن سیاست تأکید کرد.^{۸۶}

نایینی دو اشاره بسیار دقیق دیگر در مفهوم نمایندگی می کند. نخست بحث مالیات است. به باور او چون مردم مالیات می دهند باید بر اعمال دولت نظارت کنند

^{۸۰} همان، ص ۲۶۶.

^{۸۱} سلطانی، سید ناصر، مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۹.

^{۸۲} سلطانی، همان .

^{۸۳} فیرحی، داوود، فقه و سیاست در ایران معاصر، نشر نی، ۱۳۹۱ ص ۲۸۹.

^{۸۴} رساله تنبیه الامه و تنزیه المله در زرگری نژاد، جلد دوم، پیشین ص ۴۲۱.

^{۸۵} همان ص ۲۴۶۱.

^{۸۶} فیرحی، پیشین ص ۲۵۷.



که این مالیات در کجا مصرف می شود. این اشارات نایینی شباهت زیادی به بحث های مدرن نمایندگی و مالیات دارد که جایی نمایندگی نیست مالیات وجود ندارد. به گفته یکی از محققین نایینی چهارده بار از واژه "مبعوثان ملت" استفاده می کند و نشان می دهد که آگاهانه از مفهوم وکالت دوری می جوید.^{۸۷}

نایینی وظایفی را نیز برای مبعوثان ملت برمی شمارد: اول ضبط و تعدیل خراج و تطبیق دخل و خرج ملت است.^{۸۸} دوم تشخیص کیفیت قرارداد و وضع قوانین و ضبط تطبیق آن ها بر شرعیات است.^{۸۹} به باور او محاسبه و مسئولیت کامله در صورتی محقق خواهد شد که قاطبه متصدیان قوه اجراییه در تحت نظارت و مسئول هیات مبعوثان باشند و آنان هم در تحت مراقبه آحاد ملت.^{۹۰} به باور او مجموعه وظایف راجع به نظم مملکت از دو قسم خارج نیست یا "منصوصاتی است که احکام آن ها مشخص است یا غیرمنصوصی است که به واسطه عدم اندراج به نظر و ترجیح موکول است و این قسم تابع مصالح و مقتضیات اعصار است و قوانینی که باید با شرع مطابقت داده شوند قسم اول است و اصل مشورت فقط در قسم دوم است".^{۹۱} قوانین قسم دوم مدام در حال تغییر است و این نکته بسیار مهم است. او می نویسد عقد مجلس شورای ملی برای نظارت متصدیان و اقامه وظایف راجع به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور و احقاق حقوق ملت است نه حکومت شرعیه و فتوی و نماز و برای مراقبت برای عدم صدور آزاد مخالف احکام شریعت همان هیات مجتهدین کفایت می کند.

آخوند خراسانی نیز به مفهوم نمایندگی اشاراتی دقیق دارد خراسانی نیز "مبعوثان ملت" را امنایی می داند که خود ملت به معاشرت تامه آن ها را به وثاقت و امانت و درایت کامله شناخته و برای مراقبت در این امور انتخاب نمایند.^{۹۲} او در عبارتی که حاوی نکته دقیق و جدیدی است می نویسد که در ممالک مشروطه "مالک زمام امور خود ملتند".^{۹۳} خراسانی همچنین در عصر غیبت صلاحیت

^{۸۷} سلطانی، سید ناصر، پیشین.

^{۸۸} رساله تنبیه الامه، در زرگری نژاد، جلد دوم، پیشین ص ۴۶۱ تا ۳.

^{۸۹} همان، ص ۴۶۷.

^{۹۰} همان، ص ۴۲۱.

^{۹۱} همان، ص ۴۶۷ و ۸.

^{۹۲} رساله مراد از ملیت در سایر ممالک در زرگری نژاد، پیشین ص ۲۹۴.

^{۹۳} کدیور، محسن، سیاست نامه آخوندخراسانی، انتشارات کویر، چاپ دوم ۱۳۸۷ ص ۲۰۴.



حکومت را برای "جمهور مسلمین" می دانست.^{۹۴} نکته دیگری را یکی از محققین در اندیشه آخوند برجسته می کند و آن صحبت از نهاد نمایندگی به مثابه حلقه واسط بین دولت و ملت است آنجا که می گوید رابطه اتحاد و اتصال میان دولت و ملت تعبیر می کند.^{۹۵} به باور این محقق همین که فقیهان مشروطه خواه هیچ کدام شرط ضمن عقد را برای لازم کردن عقد وکالت اشاره نکردند حاکی از آنست که آن ها به تفاوت این دو مفهوم پی برده بودند.^{۹۶}

دیگر فقیهان به مسأله نمایندگی از جهات دیگر نگاه کرده اند و عموماً متأثر از سخنان روشنفکرانند. عمادالعلما خلخالی در رساله بیان معنی سلطنت مشروطه و فوائد از منظری دیگر به توجیه نمایندگی می پردازد و می نویسد عقلاً سیاسی و دانشمندان به تجربه آموخته اند که عقل و تدبیر یک نفر نمی تواند همه چیز را حل کند و نیاز به معاون برای تمیز حق از باطل دارد سپس جمعی از عقلا را تعیین نموده اند که در امور مملکت مساعد او باشند^{۹۷} که توجیه دقیقی نیست. یا دیگری گفته است که "چون جمع شدن تمام نفوس در یک جا ممکن نیست، از این جهت مقرر شده که هر طبقه در هر ولایت جمع شده یک نفر عاقل امین خیرخواه از جانب خود وکیل معین کرده بفرستند که با سایرین جمع شده ملاحظه دردها و گرفتاری های همه را کرده با اتفاق آراء و عقول اقدام به معالجه امراض کنند."^{۹۸}

سخنان سنجیده فقیهان موافق مشروطه از نقاط عطف مبحث حقوق عمومی در عصر مشروطیت است. نوآوری ها و سخنان بدیع آخوند خراسانی و شاگردانش تحولی مهم در تاریخ مشروطه خواهی و پدیداری مفاهیم نوآیین محسوب می شود. تفکیک وکالت از نمایندگی، به رسمیت شناختن حق برای مردم در امور عمومی، لزوم نظارت مبعوثان ملت بر وزرا و نظارت مردم بر آنان از جمله نکات برجسته ای بود که از جانب آنان ارائه شد.

بند چهارم: مجلس اول و مسأله نمایندگی

در مجلس اول نیز بحث های مهمی بر سر نمایندگی در گرفت که نشان داد هنوز این مفهوم به طور کامل شکل نگرفته است و برای ایرانیان دارای ابهام است و

^{۹۴}. همان ص ۲۰۲.

^{۹۵}. همان ص ۲۰۶.

^{۹۶}. سلطانی، پیشین.

^{۹۷}. رساله بیان معنی سلطنت مشروطه و فوائد در زرگری نژاد، پیشین ص ۳۹.

^{۹۸}. رساله سؤال هایی دائر به مشروطیت، در زرگری نژاد، جلد اول، پیشین ص ۶۷.



مرزهای آن مخصوصاً با وکالت مشخص نشده است. مثلاً در انتخابات زنجان وقتی مردم مطلع شدند که باید وکیل انتخاب کنند گفتند ما با کسی نزاع نداریم وکیل برای چیست.^{۹۹} یا در انتخابات گیلان بحث مهمی درگرفت که چون نماینده علماً ۵۰۰ رای و اصناف ۱۰۰۰ رای آورده بود، اصناف می گفتند ما باید دو نماینده داشته باشیم که صنایع الدوله نپذیرفت.^{۱۰۰} در جلسه شنبه ۶ ربیع الاول ۲۵ بحث دیگری در می گیرد و آن اینکه تجار رشت به علت عدم رضایت از وکیل التجار، نماینده دیگری به نام حاج داود را به مجلس می فرستند که با اعتراض وکیل التجار مواجه می شود اما متأسفانه بحث ناتمام رها می شود.^{۱۰۱} ماجرای عزل مستشارالدوله از جانب تبریزیان هم در این میان معروف است.^{۱۰۲} این موارد نشان می دهد که هنوز خلط مباحث حقوق عمومی و خصوصی به شدت رواج داشت و حدو مرزهای مفهوم نمایندگی و وکالت مشخص نشده بود.

چنانکه پیشتر گفتیم یکی از مباحث مهم، فلسفه نمایندگی است که چون مردم نمی توانند مستقیماً اعمال قدرت کنند آنرا به امنا خود واگذار می کنند. یکی از نمایندگان در جلسه شنبه ۲۰ ربیع الاول ۲۵ عبارت بسیار مهمی را در همین خصوص می گوید که به فلسفه نمایندگی اشاره دارد او می گوید "سی کرور نفوس نمی توانند یک جا جمع شوند و کارهای خودشان را اصلاح کنند پس چند نفر را وکالت داده می گویند شما در امورات ما نظارت داشته باشید و این پول که گرفته می شود ببینید در جهت خیر ما مصرف می شود یا در ضرر ما و تا مردم وثوق نداشته باشند کار پیش نمی رود."^{۱۰۳} بر سر مساله تاجگذاری شاه هم آقامیرزا طاهر گفت "مجلس نماینده ملت است و سلطان سلطان ملت و باید از طرف ملت تاج بگذارد"^{۱۰۴} که سخنی ژرف بود.

این سخن که چون مردم نمی توانند مستقیماً قدرت را اجرا و اعمال کنند

^{۹۹} نوایی، عبدالحسین، قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه نوشته شد، یادگار، سال چهارم، شماره ۳۵، بهمن ۱۳۲۶.

^{۱۰۰} اتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵ ص ۱۰۲.

^{۱۰۱} مشروح مذاکرات مجلس اول، به کوشش میرزا صالح، غلامحسین، انتشارات مازیار ۱۳۸۴ ص ۲۱۱.

^{۱۰۲} برای دیدن شرح این ماجرا رک سلطانی، سید ناصر، مفهوم نمایندگی در مجلس اول،

مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۹، نیمسال اول ۱۳۹۰.

^{۱۰۳} مشروح مذاکرات مجلس اول، پیشین ص ۲۳۰.

^{۱۰۴} مشروح مذاکرات مجلس اول، پیشین، ص ۱۰۲.



فلذا آن را به نمایندگان وا می‌گذارند شبههاتی را نیز برانگیخت. برای مثال انجمن‌ها می‌گفتند ما خود هر جا لازم باشد وارد عمل می‌شویم و نیازی به نماینده نداریم. آن‌ها اعتقاد داشتند که نمایندگان مبعوث از جانب ملتند زیرا خود نمی‌تواند تصمیم بگیرد، ولی هرگاه که ملت خود وارد صحنه شد نیازی به نماینده ندارد. انجمن‌ها بر این باور بودند که وکلا وکیل آن‌ها هستند و خود موکل می‌تواند در مجلس حضور داشته باشد و اظهار نظر بکند. مسأله احتشام السلطنه و استعفای او بر سر همین مسائل شکل گرفت. هم چنین وقتی که انجمن‌ها از مجلس تکمیل قانون اساسی را می‌خواستند و بر مجلس در این خواسته خود سخت می‌گرفتند گفتند که "اگر تا روز پنج‌شنبه متمم قانون اساسی تمام نشده و به صحنه همایونی نرسد، موجب زحمت خواهد شد." نمایندگان در برابر این زیاده‌خواهی انجمن‌ها مقاومت کردند و در شنبه ۲۰ ربیع الاول ۲۵ پاسخ داد که "این وکالت نمی‌شود؛ تا مردم وثوق تمام نداشته باشند کار پیش نمی‌رود. ... با این حال نمی‌شود کار کرد. حق ندارد یک نفر از ملت این طور تحکم کند. این ملت یا به شما وثوق داشتند یا نداشتند. اگر داشتند حق اعتراضی ندارند اگر نداشتند دسته دیگری را انتخاب کنند" که پاسخی سنجیده بود زیرا به گفته درست آن‌ها اگر قرار باشد مردم در هر کاری مستقیم دخالت کنند کار پیش نخواهد رفت.

فدرالیست‌ها در انقلاب آمریکا با همین مسأله مواجه بودند و در مقالاتشان از سه زاویه به مسأله نمایندگی نگریستند و آن را فقط با دید تحسین‌نگریستند بلکه به خطرات آن نیز اشاره کردند. نخست این که ممکن است مردم کنترلشان را بر روی حکومت از دست بدهند و نمایندگان حاکم اقدام به سرنگونی نظام کنند، دوم این که اکثریت از طریق نمایندگی حکومتی سرکوبگر ایجاد کنند و سوم این که اکثریت از طریق نمایندگان حکومت ابلهانه نه سرکوبگری ایجاد کنند.^{۱۰۵} به باور آنها در مقاله ۲۸ تمامی قدرت حکومت باید در دست نمایندگان مردم باشد. آن‌ها در شماره ۱۷ نوشتند که در اروپا که اصل نمایندگی را مدیون آنانیم هیچ گونه حکومت مردمی دیده نمی‌شود در هیچ جا حکومت کلا مردمی یا کلا نمایندگی نیست اما آمریکا در عین حال هر دوی آن‌هاست. فدرالیست‌ها جمهوری مد نظر خود را از دموکراسی ناب جدا می‌کردند و نقطه اصلی تفاوت آن دو را نظریه نمایندگی می‌دانستند و همیلتون آن را دموکراسی مبتنی بر نمایندگی نامید^{۱۰۶} و

^{۱۰۵}. اشتراوس لئو، جوزف کراپسی، نقد نظریه دولت جدید، ترجمه احمد تدین، انتشارات

کوپر ۱۳۷۳ ص ۱۴۶.

^{۱۰۶}. همان، ص ۱۴۰.



در مقاله ۵۱ نوشتند برای جلوگیری از استبداد نمایندگان، توقف قدرت با قدرت کافی نیست و نظریه نمایندگی را مکمل آن می دانستند.

در مواردی نمایندگان مجلس پی برده بودند که فلسفه نمایندگی با عقد وکالت متفاوت است و فلسفه آن به حاکمیت مردم و نمایندگی از جانب کل ملت بر می گردد. یکی از نشانه های این آگاهی این بود که می گفتند نماینده سی کرور نفوسند نه نماینده منطقه خود. سید محمد طباطبایی در شعبان ۲۴ خطاب به نمایندگان گفت که "نماینده ۴۰ کرور نفوس محترم ایران" هستند و نمایندگی را "بار امانت ملی" اعلام کرد.^{۱۰۷} آن ها به خوبی درک کرده بودند که نماینده ملتند و هر جای لازم بود بر این تأکید می کردند. حاجی امام جمعه هم در جلسه پنج شنبه شش ذی قعدة ۲۵ گفت "و کلا یعنی محافظین و نگهبانان حقوق ملت".^{۱۰۸} یا شیخ حسین در جلسه یکشنبه ۱۸ جمادی الاول ۲۵ گفت ما وکیل سی کرور هستیم.^{۱۰۹} رئیس مجلس هم در ۱۲ رمضان ۱۳۲۵ گفت وکیل شیراز همه هستند. چنانکه تقی زاده در جلسه شنبه ۲۴ محرم ۲۵ گفت "ما وکیل رعیت هستیم و این مجلس مجمع عقلای ملت است".^{۱۱۰}

این مسأله که آن ها نماینده ملتند نه کسانی که آن ها را انتخاب کرده اند آن ها را به این نتیجه رساند که نباید فقط به مسائل منطقه خود رسیدگی کنند. تقی زاده در جلسه سه شنبه ۱۵ ربیع الاول ۲۵ گفت وکیل نباید تمام همش مصروف ترقی حال اهالی ولایت خود باشد.^{۱۱۱} در جلسه ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ گفته شد هر روز هر یک از وکلاء مطالبی را می خواهند اظهار کنند و ناچار وکیل هر ولایتی مطلب مربوط به ولایت خود را اظهار می دارد. ولی وکیل نباید فقط همش مصروف ترفیه حال اهالی ولایت خود باشد. باید تماماً یک زبان رفع کلیه مفسد را بخواهند، تا این که اگر وکیلی اظهاری نمود تنها نماند.

این بحث در فرانسه نیز به نحوی وجود داشت. تئوری نمایندگی چنانکه سی یس گفته است برای منزوی کردن منافع خصوصی از طریق ایجاد منافع مشترک است یعنی انسان ها را باید در موضوعی نمایندگی کرد که با هم مشترکند نه آنجا

^{۱۰۷}. رجبی، محمد حسن، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره

قاجار، جلد دوم، نشر نی، ۱۳۹۰ ص ۲۸۵.

^{۱۰۸}. مشروح مذاکرات مجلس، پیشین ص ۵۲۶.

^{۱۰۹}. همان، ص ۲۸۷.

^{۱۱۰}. همان، ص ۱۶۸.

^{۱۱۱}. همان، ص ۲۵۳.



که با هم فرق دارند. به باور سی‌سی‌یس هر انسانی سه نفع دارد نفع مشترک که از طریق آن انسان‌ها به هم شبیه می‌شود، دوم نفع شخصی که به واسطه آن هر فرد منزوی است و نفع بدن‌ها که به واسطه آن انسان‌ها متحد می‌شوند و تعداد محدودی را گرد هم می‌آورند.^{۱۱۲} رساله طبقه سوم چیست در حد یک مانیفست بود که او در آن طبقه سوم را نماینده ملت می‌دانست و ملت را مجموعه‌ای از جمعیت‌ها می‌دانست که تحت قوانین عمومی زندگی می‌کنند و به وسیله مجمع قانونگذاران نمایندگی می‌شوند. سی‌سی‌یس با آرایش توانست در نظریه روسو که بر مردم حاکمیت آن‌ها تأکید می‌کرد تعدیلی ایجاد کند و انقلابیون از نظریه سی‌سی‌یس تبعیت کردند که حاکمیت به نمایندگانی تفویض می‌شود که کار آن‌ها فقط بیان اراده انتخاب کنندگان‌شان نیست، بلکه بیان اراده تمام ملت است. با این حال سی‌سی‌یس بر آن باور بود که شهروندان با هم برابر هستند ولی افراد نابرابرند و نمایندگی به شهروندان مربوط است نه افراد و اعلامیه ۱۷۸۹ نظر او را پذیرفت.^{۱۱۳} توضیح آن که فرانسویان میان دو حق تفکیک قائل می‌شدند یکی حقوق شهروندان که فقط به شهروندان تعلق می‌گرفت، دیگری حقوق فرد که به افراد به مثابه عضو جامعه مدنی تعلق می‌گرفت.^{۱۱۴} میرابو مخالف این سخن سی‌سی‌یس بود که نمایندگان، نماینده ملت هستند و این را تداوم سخنان ناشایست قبلی می‌دانست و می‌گفت اگر تأیید پادشاه انجام نشود مجلس با خطر انحلال روبروست. قانون اساسی ۱۷۹۱ نیز حاکمیت را از آن ملت دانست و مجمع قانونگذاری را اراده ملت اعلام کرد و اعلام کرد که نمایندگان نه نماینده انتخاب‌کنندگان که نمایندگان کل ملتند.^{۱۱۵} با این حال روبسپیر در دیدگاهی رادیکال، حاکمیت را نه از آن ملت که از آن مردم می‌دانست.^{۱۱۶}

انقلابیون آمریکا نیز بر این باور بودند که نمی‌توان از نماینده‌ای که پیگیر منافع خصوصی خود است انتظار عملکرد خوب را داشت.^{۱۱۷} زیرا نماینده باید به

^{۱۱۲}. زولر، الیزابت، **درآمدی بر حقوق عمومی**، ترجمه مجتبی واعظی، انتشارات جنگل جاودانه ۱۳۸۹ ص ۲۰۹.

^{۱۱۳}. باریبه، موریس، **مدرنیته سیاسی**، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، چاپ دوم ۱۳۸۶ ص ۱۷۳.

^{۱۱۴}. همان، ص ۱۷۱.

^{۱۱۵}. Brich, A. H. op cit. p 46.

^{۱۱۶}. Ibid. p 47.

^{۱۱۷}. زولر، پیشین، ص ۱۶۰.



دنبال منافع همگان باشد. به گفته معروف جفرسون ۱۷۳ مستبد قطعا به اندازه یک مستبد می تواند خطرناک باشند. در چنین مجلسی قوانین به عنوان حاصل ائتلاف بین گروه های که به دنبال منافع خصوصی خود هستند وضع می شوند و فرقی با قوانین مستبد ندارند. با این حال فدرالیست ها به گونه ای دیگر استدلال می کردند. مادیسون در مقاله ای نوشت در دموکراسی مردم حکومت می کنند ولی در جمهوری نمایندگان آن ها.^{۱۱۸} در مقاله ۵۲ رسائل فدرالیست ها همیلتون یا مادیسون نوشت نمایندگان باید از مردم استقلال داشته باشند.^{۱۱۹}

نکته مهم این که نمایندگان اگر چه نماینده اراده مردم هستند اما باید این اراده را به شکل خردمندانه اداره کنند نه این که به دنبال اراده واقعی مردم بروند. ادموند بورک بر آن بود که پارلمان مجموعه ای از منافع متضاد نیست بلکه مجمعی متعادل از ملت است که منفعت همه را در نظر می گیرد و حسادات های محلی نباید جایگزین راهنمای تصمیم های جمعی شود.^{۱۲۰} این یکی از کلیدی ترین مفاهیم در درک نظریه نمایندگی است و به گفته یکی از محققین در مفهوم جدید نمایندگی، نماینده هم زمان می بایست از یک سو آینده و بازتابنده و بازنمایاننده خواست مردمی باشد که او را برگزیده اند. از سوی دیگر در جریان شور و رایزنی با دیگر نمایندگان تصمیماتی بگیرد که الزاماً با خواست مردمی که او را برگزیده اند یکسان نیست. تصور همزمان این دو رکن سازنده مفهوم نمایندگی همان پیچیدگی و ابهام مفهوم نمایندگی است.^{۱۲۱}

بحث وظایف یک نماینده نیز از مفاهیمی بود که در مجلس اول ایران شکل گرفت. یکی از نمایندگان در جلسه یکشنبه ۲۹ صفر ۱۲۵ می گوید "ما معنایی وکالت را نمی دانیم وکیل ملت باید تمام اقوام و کسان پدر و پسر خود را فراموش کرده و از هر منفعتی که دارد دست بکشد و جز کار برای ملت کار دیگری برای خود فرض نکند".^{۱۲۲} سید محمد تقی هم در لایحه ای که شنبه ۷ رجب ۱۲۵ خواند می گوید که نمایندگان از طرف عموم اهالی مملکت آمده اند تا به مقتضای عصر و زمان و

^{۱۱۸}. باریبه، پیشین ص ۱۶۲.

^{۱۱۹}. Brich, A. H. op cit.p 42

^{۱۲۰}. Eulau, Heinz, Jhon Wanker. William Buchanan. The role of the representative: Some empirical observation on the theory of demand burke, The American political science. vol53.no3.sep1959.p744

^{۱۲۱}. سلطانی، سید ناصر، مفهوم نمایندگی در مجلس اول، مجله پژوهشهای حقوقی،

شماره ۱۹، نیمسال اول ۱۳۹۰ ص ۱۳۷.

^{۱۲۲}. مشروح مذاکرات مجلس، پیشین، ص ۲۰۴.



آزادی، عقیده خود را در اصلاح حال و حفظ حدود ثغور و جلب منفعت و رفع تصرف و موجبات ترقی مملکت و ازدیاد ثروت و... بیان کنند که اکثریت آرا قبول یا رد شود.^{۱۲۳}

این نمایندگی از جانب سی کرور بی شک لوازم و توابعی داشت که نمایندگان به برخی از آن ها پی برده بودند. در جلسه پنج شنبه ۱۷ ربیع الاول ۲۵ سیدمحمد تقی می گوید که "وکیل باید در اظهار عقاید خود آزاد باشد و گرنه وظیفه وکالت خود را نکرده است."^{۱۲۴} میرزا فضلعلی هم در جلسه پنج شنبه ۱۹ رجب می گوید "کسی که نمایندگی سی کرور خلق را بر عهده گرفته باید هر چه مصلحت است بگوید."^{۱۲۵} مادیسون نیز در رسائل فدرالیست ها نوشت کار نمایندگی پالایش و گسترش روح و شعور عامه و محیطی است متشکل از شهروندان برگزیده که توانایی تشخیص مصلحت واقعی مردم را دارند.^{۱۲۶}

به باور یکی از محققین چند نکته محوری در تعریف مفهوم نمایندگی در مشروطیت وارد شد که حدود و ثغور مفهوم جدید و تمایز آن را با مفاهیم حقوق شرع ترسیم می کند. نکته نخست این که برگزیده هر ایالت و ولایتی پس از برگزیده شدن نماینده همه سکنه مملکت خواهد بود. دوم این که وظیفه نماینده مجلس در درجه اول "راعیات حقوق تمام مملکت" و گفتن "هر چه که مصلحت است" و نه تنها دفاع از کسانی که او را برگزیده اند. نکته سوم این که انتخاب کنندگان پس از انتخاب "حق امر و نهی" و "حق مداخله و گفتگو" درباره تصمیمات نماینده ندارند. "وکالت تامه ملی"، در مدت مقرر، آزاد از امر و نهی و مداخله انتخاب کنندگان است که البته چنان که ما اشاره کردیم نکات بیشتری در این مجلس دستگیر ایرانیان شد، اگرچه ابهامات پیرامون نظریه نمایندگی به علت فقدان نظریه پردازی دقیق و ادامه نیافتن مباحث مشروطیت همواره باقی ماند و به گفته درست ناصر سلطانی "علی رغم همه کوشش هایی که از مشروطیت تا به امروز در استقرار مجلس و مفهوم نمایندگی شده است، این مفهوم هنوز با ابهامات مهمی مواجه است و مرزهای آن با مفهوم وکالت به روشنی شناخته نشده است".

^{۱۲۳}. همان، ص ۳۵۰.

^{۱۲۴}. همان، ص ۲۵۵.

^{۱۲۵}. همان، ص ۳۷۴.

^{۱۲۶}. بردو، پیشین ص ۲۰۵.

نتیجه‌گیری

مفهوم نمایندگی از کلیدی‌ترین مفاهیم در حقوق عمومی و نظریه مشروطیت و دموکراسی‌های مدرن است. برآمدن این مفهوم تاریخی طولانی در مغرب زمین دارد و هر کشور به فراخور تاریخ و فرهنگ متفاوت خود مسیر متفاوتی را در این خصوص طی کرده است. اما همه سنت‌های متفاوت در خصوص نظریه نمایندگی در حداقل‌هایی وجوه اشتراک متعددی دارند. انقلاب مشروطیت ایران که نقطه آغاز آشنایی ایرانیان با این مفهوم است از جهات متعددی توانست در تکوین این مفهوم نقش عمده‌ای بازی کند. ایرانیان که پیشتر از طریق آرای روشنفکران با مفهوم نمایندگی آشنایی نسبی پیدا کرده بودند، با پیروزی آن انقلاب بزرگ و تأسیس مجلس اول به تامل جدی در خصوص این مفهوم پرداختند. این تاملات را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست جدالی سهمگین که میان فقیهان در خصوص این مفهوم رخ داد. فقیهان مشروطه خواه با عباراتی سنجیده و محکم توانستند حدود و ثغور مفهوم نمایندگی و تفاوت آن با وکالت را تا حدودی روشن کنند. دوم تجربه مجلس اول بود که مبعوثان ملت به عنوان عقلای قوم در خلال مباحث آن مجلس مهم نکاتی برجسته در خصوص مفهوم نمایندگی گفتند. آن‌ها خود را نمایندگان تمام ملت می‌دانستند که باید به مصلحت ملت سخن رانند. جالب آنجاست که بسیاری از مباحث ایرانیان در خصوص مفهوم نمایندگی به مباحث مربوط به نمایندگی در انقلابات بزرگ مشروطیت شباهت داشت که ما سعی کردیم این وجوه را نیز در این مقاله نشان دهیم.



۱. اتحادیه، منصوره، مجلس و انتخابات، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵
۲. اردان، فیلیپ، نهادهای سیاسی و حقوق اساسی، ترجمه رشید انصاریان، انتشارات دانشگاه شهیدچمران اهواز ۱۳۸۹
۳. اشتراوس لئو. جوزف کراپسی، نقد نظریه دولت جدید، ترجمه احمد تدین، انتشارات کویر ۱۳۷۳
۴. باریه، موريس، مدرنیته سیاسی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، چاپ دوم ۱۳۸۶
۵. بردو، ژرژ، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر نی، ۱۳۷۸
۶. پلانناتز، جان، انسان و جامعه، ترجمه کاظم فیروزمند، انتشارات روزنه ۱۳۸۸
۷. ترکمان، محمد، رسائل اعلامیه ها و مکتوبات و روزنامه شیخ شهید، جلد اول، موسسه فرهنگی خدماتی رسا، ۱۳۶۲
۸. توکویل، آلکسی، انقلاب فرانسه و رژیم پیش از آن، نشر نقره، ۱۳۶۵
۹. جعفریان، رسول، درک شهری از مشروطه، موسسه مطالعات تاریخ معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۷
۱۰. دال، رابرت، درباره دموکراسی، ترجمه فیروز سالاریان، نشر چشمه، ۱۳۸۹
۱۱. دوگی، لئون، دروس حقوق عمومی، ترجمه محمدرضا ویژه، نشر میزان ۱۳۸۸
۱۲. ربال، آلن، به گای پیترز، سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، انتشارات قومس، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۱۳. رجبی، محمد حسن، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، جلد دوم، نشر نی، ۱۳۹۰
۱۴. روسو، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، ۱۳۷۹
۱۵. روده، جرج، انقلاب کبیر فرانسه و پیامدهای آن، ترجمه مجید امین موید، نشر اشاره ۱۳۸۰
۱۶. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، جلد اول، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۱۷. زرگری نژاد، غلامحسین، رسائل مشروطیت، جلد دوم، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۱۸. زولر، الیزابت، درآمدی بر حقوق عمومی، ترجمه مجتبی واعظی، انتشارات جنگل جاودانه ۱۳۸۹
۱۹. سلطانی، سید ناصر، مفهوم نمایندگی در مجلس اول، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۱۹، نیمسال اول ۱۳۹۰





۲۰. سلطانی، سید ناصر، مشروطیت و جدال فقیهان در مفهوم نمایندگی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۸۹
۲۱. صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، طرح نو، ۱۳۸۱
۲۲. طالبوف، عبدالرحیم، آزادی و سیاست، به کوشش ایرج افشار، انتشارات سحر، ۱۳۵۷
۲۳. طباطبایی، سیدجواد، حکومت قانون، نشر ستوده، ۱۳۸۵
۲۴. عباسی، بیژن، تمایز میان قوای موسس و قوای تاسیسی، حقوق اساسی سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳
۲۵. عاملی حشمت اله، دموکراسی و تحدید قدرت، کتاب خانه ابن سینا ۱۳۴۶
۲۶. فیرحی، داوود، فقه و سیاست در ایران معاصر، نشر نی، ۱۳۹۱
۲۷. کدیور، محسن، سیاست نامه آخوندخراسانی، انتشارات کویر، چاپ دوم ۱۳۸۷
۲۸. کنستانت، بنژامین، شور آزادی، ترجمه عبدالوهاب احمدی، نشر آگه، ۱۳۸۹
۲۹. مالکوم، جرالده، فلسفه سیاسی، ترجمه بهروز جندقی، انتشارات طه، ۱۳۸۳
۳۰. نوایی، عبدالحسین، قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه نوشته شد، یادگار، سال چهارم، شماره ۳۵، بهمن ۱۳۲۶
۳۱. نوذری، حسین علی، بازخوانی هابر ماس، نشر چشمه، چاپ دوم، ۱۳۸۶
۳۲. هابز، توماس، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی، چاپ پنجم ۱۳۸۷ص
۳۳. مشروح مذاکرات مجلس اول، به کوشش میرزا صالح، غلامحسین، انتشارات مازیار ۱۳۸۴
34. Brich. A. H, *Representation (Key Concepts in Political Science)*. MacMillan .1971
35. Eulau. Heinz, Jhon wanker. William Buchanan. *The role of the representative: Some empirical observation on the theory of demand burke*. The American political science .vol53.no3.sep1959
36. Laoughlin. martin. neil walker. *The paradox of constitutionalism (constituent power and constitutional form)*, Oxford university press. 2008
37. Pitkin. Hanna. *The concept of representation*. Berkeley university of California press. 1967

Raising the Representative Concept in Constitutional Revolution of Iran

Ali Akbar GORDJI AZANDARYANI

Fardin MORADKHANI

Abstract

The concept of representative is one of the most important concepts in constitutionalism theory that is the start point of many another concepts. The constitutional revolution could familiar Iranians with this important concept for the first time, at first and in other discussions of intellectuals it was obscure still. But with successfully of revolution and establishment the first parliament, made important discussions on this concept and relatively cleared its scopes and its meaning. This essay after a short view to the discussions of intellectuals, investigated the forming of this concept among clergymen's discussions and the fist parliament.

Keywords

Representative, parliament, nation.

دکتر علی اکبر گردجو
دکتر فardin مرادخانی



برآمدن مفهوم نمایندگی...

